

جایگاه عقاید و باورها در زندگی ما کجاست

حجت الاسلام ملایی با طرح این سوال که جایگاه عقاید و باورها در زندگی ما کجاست و اهمیت آن چقدر است، گفت:



حجت الاسلام ملایی با طرح این سوال که جایگاه عقاید و باورها در زندگی ما کجاست و اهمیت آن چقدر است، گفت: برخی اعتقادات را پلّه و نردبانی برای نزدیک شدن به خداوند می دانند، برخی آن را نقشه راه و برخی آن را مسیری برای رسیدن به خداوند معرفی می کنند و برخی آن را راهی برای انسان شدن می دانند.

موعودبه گزارش ایکنّا، مؤسسه فرهنگی هنری موعود عصر (عج)، صد و شصت و چهارمین نشست از سلسله نشست های ماهانه فرهنگ مهدوی، را با موضوع «لغزش های اعتقادی در عصر غیبت» را با سخنرانی حجت الاسلام و المسلمین حسن ملایی برگزار کرد.

حجت الاسلام ملایی، در سخنانی گفت: جایگاه عقاید و باورها در زندگی ما کجاست و اهمیت آن چقدر است؟ برخی اعتقادات را پلّه و نردبانی برای نزدیک شدن به خداوند می دانند، برخی آن را نقشه راه و برخی آن را مسیری برای رسیدن به خداوند معرفی می کنند، برخی آن را راهی برای انسان شدن می دانند.

ملایی پس از پاسخ های متعددی که از حضاران در نشست دریافت کرد، در پاسخ به سؤال مطرح شده، گفت: رسول خدا (ص) میل درونی انسان ها، یعنی میل به رستگاری را پایه ای برای اعتقاد به دین قرار می دهند و بر اساس اینکه رستگاری، نیازی درون همه انسان هاست، می فرمایند: «یا أَيُّهَا النَّاسُ قُولُوا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تُفْلِحُوا؛ تهلیل بگو تا رستگار شوی. وی افزود: اما رستگاری به چه معناست و چه تعریفی دارد؟ آیا مرگ در آرامش و زندگی در رفاه به معنای رستگاری است؟ همین کافی است که بدانیم که سرنوشت فردی مثل امیرمؤمنان علی بن ابی طالب (ع) این بود که به طرز خونین به شهادت رسیدند؛ اما رسول اکرم (ص) به ایشان فرمودند که دین تو در امان است و این تعریف رستگاری است؛ چیزی که در آخرالزمان تعریف آن تغییر کرده و در نتیجه، فرهنگ و تمدن در آخرالزمان از اعتقادات دینی و رستگاری تعریف شده دین فاصله گرفته است.

ملایی در شرح سخنان خود گفت: اعتقاد هرکس باور های اساسی است که وی آن را درست می داند، به آن ایمان دارد و محور اساسی تصمیمات و رفتار های زندگی وی است. بدین ترتیب اگر اعتقاد به صورت یک باور اساسی برای یک فرد درنیاید، هرگز دین برای او درونی نخواهد شد و ظاهر، لباس و رفتار او هم بر اساس باور او شکل می گیرد.

کارشناس امور تربیت دینی، جایگاه اعتقاد در زندگی را در دو محور مهم اعلام کرد و افزود: بر اساس روایات وحیانی، در صورتی که کسی اعتقادات نداشته باشد، نماز، ذکر، عبادات و حتی کمک به خلق او مورد قبول قرار نمی گیرد. پس باید درنگی داشته باشیم در اینکه در قیامت چه کسی از نظر خداوند برتر است؟ کسی که مؤمن است و خدمتی به خلق نکرده یا کسی که بدون ایمان به امیرمؤمنان علی (ع)، خدماتی در حق مخلوقات کرده است. اگر ما به درستی ارزش ایمان را درک کرده باشیم و جایگاه اعتقاد را در هستی و در انسان بدانیم، این قضیه را درک می کنیم که چرا اعتقادات معیار قبولی اعمال است.

حجت الاسلام ملایی علت تمرکز بر لغزش های اعتقادی در آخرالزمان را وجود چند ویژگی مهم در این دوره دانست که قابل بررسی است. وی این موارد را چنین شرح داد: نکته اول آنکه عصر غیبت، عصری است که دسترسی به مولا و امام قطع است؛ در نتیجه حق و باطل بودن برخی عقاید معلوم نمی شود. نکته دوم اینکه غیبت طولانی شده و در اثر این فاصله، برخی ارزش ها در قلب و جان انسان ها دچار تطور و تغییر گشته است. نکته دیگر اینکه چالش هایی در عصر غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه، از طرف معصومان بیان شده که نشان می دهد، این دوره، دوران ویژه ای است که شیطان و ابادی او با دست باز، دوستان و شیعیان اهل بیت (علیهم السلام) را مورد اصابت قرار داده و اعتقادات آنها را با عقاید شیطنانی درمی آمیزند و تحت تأثیر قرار می دهند. بدین ترتیب هر فرد در این دوره باید «زمانه شناس» باشد تا متوجه شود که چه خطراتی در این عصر او را تهدید می کند، سختی های زمانه را بشناسد و خود را برای در امان نگه داشتن از لغزش های اعتقادی آماده و مهیا سازد.

کارشناس تربیت اسلامی «لغزش» را به معنای خروج از اعتدال و خط اصلی تعریف و انواع لغزش های اعتقادی را به دو صورت عام و خاص دسته بندی کرد و افزود: براساس مستندات روایی، مهم ترین لغزش های اعتقادی در هر عصری شامل این موارد است: کفر، نفاق، شرک، بدعت و شک. اگر به درستی تعریف این موارد را ندانیم، خود را از این موارد بری می دانیم؛ ولی چنین

نیست... هرکدام از ما، حتی اگر مؤمن باشیم، ممکن است رده‌هایی از این موارد در ما ایجاد شده باشد و ما متوجه آن نباشیم.

وی برخی از لغزش‌های خاص عصر غیبت را چنین برشمردند: شک یا انکار امام مهدی عجل الله تعالی فرجه؛ مهدویت نوعی، انحراف از انحصار دوازده امام؛ عدم فایده امام در عصر غیبت؛ انکار یا یأس از ظهور؛ تردید در خاتمیت رسول اکرم (ص)، که سبب می‌شود به طور کامل امامت امامان دوازده گانه هم زیر سؤال برود، خرافات درباره حیات حضرت، غلو.

ملایی در توضیح زمینه‌های رفتاری گفت: در مباحث علوم تربیتی، «اصل تأثیر ظاهر بر باطن» بیان می‌کند، همانطور که درون شما و ایمان در ظواهر تأثیرگذار است، ظاهر، رفتار و بیرون شما نیز بر اعتقادات شما تأثیرگذار می‌گذارد. چه رفتارهای مثبت و چه رفتارهای منفی بر اعتقادات و باورهای هر انسان تأثیرگذار است. پس اگر رفتار ما مطابق با باور دینی باشد و ما فرد مؤمنی باشیم، رفتار مثبت، سبب تقویت باور ما می‌شود و اگر رفتار ما منفی باشد، سبب ضعف در ایمان خواهد شد؛ بنابراین ما نایبستی فریب این سخنان بیهوده را بخوریم که اعتقادات ما با پوشش ما ارتباطی ندارد و ایمان به دل است و غیره. آرام آرام این رفتارهای بیرونی، ما را از اعتقاداتی درونی و درست ما دور می‌کند. خداوند در سوره روم، آیه ۱۰ می‌فرماید: «ثُمَّ كَانَتْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَسَاءُوا السُّوءَ أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ؛ آنگاه بدترین سرانجام، سرانجام کسانی بود که مرتکب زشتی شدند، به سبب اینکه آیات خدا را تکذیب کردند و همواره آنها را به مسخره می‌گرفتند.»

کارشناس امور تربیت اسلامی، راهکارهای مقابله با لغزش‌های اعتقادی را به سه دسته کلی تقسیم و عوامل این دسته‌ها را برشمرد. این راهکارها عبارت است از:

۱. راهکارهای فرهنگی، معرفتی (شامل فراگیری عمیق عقاید، تقویت عقلانیت دینی، پاسخگویی به سؤالات و شبهات، اقامه شعائر دینی، احیای امر امامت، تقویت خانواده)
۲. راهکارهای اخلاقی، تربیتی (شامل تهیه الگوی جامع تعلیم و...)
۳. راهکارهای سیاسی، اجتماعی (شامل صالح بودن خواص و نخبگان جامعه، عدالت گستری در حدّ توان، برخورد با افراد و فرقه‌های انحرافی، دشمن شناسی و بصیرت افزایی، تقیّه منطقی و هشیارانه، بسیج عمومی و سازماندهی نیروها و تقویت امور مالی و اقتصادی جامعه).

ملایی در توضیح مورد آخر افزود: پیاده سازی اعتقادات را نمی‌توان در عملکردهای فردی خلاصه کرد و برقراری و تحقق برخی اعتقادات، نیازمند تشکیل حکومت اسلامی است که در سایه زندگی اجتماعی صورت می‌پذیرد؛ بنابراین برای مقابله با لغزش‌های اعتقادی، مؤمن بودن حکومت و اسلامی بودن عوامل آن برای حفظ مؤمنان بسیار با اهمیت است. انسان موجودی است اجتماعی و برای تأمین نیازهایش به جامعه وارد می‌شود. با ورود انسان‌ها، کثرت نیازها، کثرت انسان‌ها و محدودیت منابع، جامعه نیازمند وضع قوانین می‌شود. ما از این نهادی که قوانین را وضع می‌کند، به «حکومت» یاد می‌کنیم. حال یا این حکومت در جهت رشد بشر قانون‌گذاری می‌کند یا خیر. در تعریف قرآن کریم، به حکومتی که در جهت رشد انسان‌ها قدم بردارد، طاغوت گفته می‌شود. امیرمؤمنان فرمودند که جامعه، ناگزیر از داشتن حاکم است؛ اما این انتخاب انسان‌هاست که چه کسی را برگزینند تا سبب رشد آنها شود یا سبب ذلت او در آخرت.